

محمد جناب زاده

بقیه از شماره قبل

در هر اثر هنری است

حکایات و داستانهای گلستان غالب مسائل و موضوعهای فردی و اجتماعی را در بردارد اما آرمان و هدف و کمال مطلوب سعدی همه بر پایه دانش و روش پرورش بوده و هست .

(در حسن معاشرت و آداب مجاورت در لباسی که متکلمان را بکار آید و مترسلان را بلاغت افزاید) در پایان گلستان فرماید .

« غالب گفتار سعدی طرب انگیز است و طبیعت آمیز و کوتاه نظران را بدین علت زبان طعن دراز است که مغز دماغ بیهوده بردن و دود چراغ بیفائده خوردن کار خردمندان نیست ولیکن بر رأی روشن صاحب‌دلان که روی سخن در ایشان است پوشیده نماند که در موعظه های شافی را در سلك عبارت کشیده است و داروی تلخ نصیحت بشهد ظرافت بر آمیخته تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند .

روش پرورش در نظر سعدی وقتی نتیجه بخش می‌باشد و تعلیم برای تربیت سودمند است که استعداد و اصالت و اجتماع و علم و عمل با آن موافق باشد .

نظر سعدی با دانشمندان عصر حاضر که تعلیم و تربیت را بر موازین روانشناسی و شناسائی استعداد قرار داده‌اند یکسان است .

در حکایت سوم از باب اول (طایفه دزدان بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بسته .) موضوع وراثت جسمانی و روانی را تحت مطالعه قرار میدهد .

بعد از آنکه « مردان دلاور از کمین بدرجستند و دست یکان یکان بر کتف بستند و با امدادان بدرگاه ملک حاضر آوردند همه را بکشتن اشارت فرمود اتفاقاً در

آن میان جوانی بود میوه عنفوان شبابش نورسیده و سبزه گلستان عذارش نو دمیده یکی از وزراء پای تخت ملک بوسه داد و روی شفاعت بر زمین نهاد و گفت این پسر هنوز از باغ زندگانی بر نخورده و از ریعان جوانی تمتع نیافته توقع بکرم اخلاق خداوندی همی باشد که به بخشیدن خون او بر بنده منت نهد .. »

مطلب و مایه بافت و تار و پود یا مغز حکایت مجاوره و مناظره در باب قانون توارث است.

وراثت شباهت در شکل و اندام و همچنین در صفحات و مشخصات و فضایل و معایب اخلاقی با نژادی است (دکتر خیبری) در کتاب بیولوژی وراثت مینویسد « در طب قدیم توارث عاملی مرموز بشمار آمده و در حکم عواملی ساری است .

که سبب میشود پاره‌ای از صفات و مشخصات والد در عده‌ای از موالید بروز کند - در عده دیگر بحال کمون سختی در چند نسل باقی بماند و روزی این یادگار و میراث نیاکان در عده‌ای از موالید نمایان گردد این نوع را وراثت فعال نامند . وراثت شامل کلیه اعمال حیاتی مانند ساختمان ماده حیاتی و وظایفی که اعضاء انجام میدهند و طرز رشد موجود و اندامها و شکل آنها که از اسلاف باخلاف و نیاکان به فرزندان) میرسد « این آخرین نظری است که استاد دانشگاه تهران (با توضیحات بعد) از مجموع طب و زیست شناسی معاصر گرفته است .

سعدی در هفت قرن و نیم قبل چنین گفته است .

« .. ملوک روی از این سخن درهم کشید و موافق رأی بلندش نیامد و گفت بر تو نیکان نگیرد هر که بنیادش بداست - نسل فساد اینان منقطع کردن اولیتر و بیخ تبارشان بر آوردن که آتش کشتن و اخگر گذاشتن و افعی کشتن و بچه نگاه کار خردمندان نیست .

هرگز از شاخ بید بر نخوری

ابر اگر آب زندگی بارد

کز نی بوریا شکر نخوری

با فرو مایه روزگار مبر

زیست شناسی گوید :

... حیوانات اهلی و خانگی که از چندی پیش از نژاد های وحشی جدا

شده اند صفات و حالات اجدادی را در نتیجه تربیت از دست داده اند .

ترانسفورمیست ها معتقدین به تغییر و تحول وراثت در اثر تربیت و شرایط محیط

دگرگونی توارث را تدریجی و امری طبیعی میدانند .

(لامارک) از پیشروان این مکتب گوید « موجود زنده در خود خواص ثابت

ندارد و تابع کیفیات و شرایط محیط است . تا شرایط محیط ثابت است موجود بدون

تغییر میماند و وقتی در محیط دگرگونی پدید آید روابط موجود با محیط بر هم میخورد

و بتدریج در ساختمان آن تغییر عارض میشود .

چارلز داروین ۱۸۰۹ - ۱۸۸۲ م (داروین) گوید « وقتی عده زیادی از افراد یک

گونه را جمع آوری کنیم و در آنها دقیق شویم بهیچوجه آنان را مشابه نمیابیم زیرا

هر یک واجد مشخصات مخصوصی بخود میباشد - شرایط خارجی محیط و علل دیگر

در بروز این اختلافات موثرند . »

مرحوم محمد علی فروغی قدس سره در کتاب سیر حکمت در اروپا مینویسد:

از نیمه سده هیجدهم کم کم برای بعضی از دانشمندان این نظریه پیش آمد که

شاید در انواع و اصناف تغییر دست میدهد و از نوعی بنوعی متحول میشوند و این نظر

از آن روی پیش آمد که ارباب علوم طبیعی باحوال موجودات جاندار و انواع و اصناف و

چگونگی آنها احاطه یافتند و بنکاتی پی بردند که منشاء این فکر شد از جمله

اینکه دیدند در ساختمان بدن جانداران غالباً ناهنجاریهایی دیده میشود یعنی از

هیأت مقرری که بطور کلی بر آن هیأت باید باشند تخلف میکنند و از قاعده خارج

میشوند و بسیار دیده شده که ساختمان وجود گیاه یا جانور تغییر مییابد چنانکه پروردگان گل و گیاه و مرغ و خروس و جانوران دیگر این نکته را دانسته و بهره برداری میکنند و اصنافی از جانور و گل و گیاه مطابق میل خود میپرورند.

و نیز بر خوردند باینکه اعضاء و اندام موجودات جاندار در هر محیطی متناسب با آن محیط است و چون محیط عوض میشود اعضای جاندار بمقتضای محیط تازه تحول مییابد.

در آغاز سده نوزدهم لامارک فرانسوی اظهار عقیده کرد بر اینکه موجود جاندار در آغاز بسیار ساده و در مرتبه پست بوده سپس کم کم تغییر حالت داده و تنوع و تفصیل یافته است.

و او علت و اسباب اصلی این تحول را تأثیر محیطی دانست که گیاه یا جانوران زیست مینمایند.

کیفیات محیط از گرما و سرما و خشکی و تری و خاک و آب و مانند آن در اعضاء و جوارح ساختمان بدن تأثیر کرده و اختلافاتی که در این کیفیات روی داده اقتضاهای تازه پیش آورده و احتیاجات نو برای موجود و جاندار ایجاد نموده و ساختمان بدن برای رفع آن احتیاجها و متابعت اقتضاها تغییر یافته و هئیت تازه اختیار کرده و این احوال تازه در وجود آن جانور کم کم عادت و طبیعت ثانوی شده در توالد و تناسل بارث منتقل گردیده و باین طریق از يك نوع بنوع دیگر تحول دست داده و تنوع پیدا شده است.

(هربرت اسپنسر ۱۸۲۰-۱۹۰۳ م) میگوید «زندگی توافق مستمر روابط درونی با روابط بیرونی است ماده اولیه جهان در آغاز متشابه و یکسان بود سپس خورشید و سیارات و اقمار پدید آمد.

نختم گیاه چیزی ساده است و هم رنگ و هم شکل چون نمو میکند تنه و شاخ و

برگ و گل و میوه میشود حیوان در آغاز نطفه است سپس از وحدت بکثرت و تنوع رسیده‌اند .

این کیفیت در جمع امور حتی در اوضاع اجتماعی بشری و احوال روحی و عقلی انسان داده میشود و لازمه تحول و تکامل است و با تراکم اجتماع همراه است .

دکتر الکسیس کارل (۱۸۷۳ - ۱۹۴۴) زیست شناس عالی‌مقام بقای آدمی را مرهون تطابق با محیط میدانند و در این رشته به تفصیل بحث مینمایند که شایان بررسی و مطالعه است .

از بیانات فوق این نتیجه حاصل میشود که مداخله محیط بنظر عامل مهم میاید ولی با مطالبی که گفته خواهد شد هنوز تأثیر محیط بطور کلی مورد اتفاق نیست و قال و اقول در آن بسیار است .

(سعدی) که همواره با عالمان و محققان زمان در بلاد خاور و باختر معاشر بوده در جمع این نظرات (که البته با امثله و شواهد حسی این زمان کاملتر شده) وزیر ملک را طرفدار تأثیر محیط در امر تعلیم و تربیت معرفی میکند (. . . وزیر این سخن بشنید طوعا و کرها (خواهی نخواهی) به پسندید و گفت آنچه خداوند دلم ملکه فرمود عین حقیقت است که اگر در صحبت بدان تربیت یافتی طبیعت ایشان گرفتی اما بنده امیدوار است که بعشرت صالحان تربیت پذیرد و خوی خردمندان گیرد که هنوز طفل است و سیرت بغی و عناد آن گروه در نهاد آن مستحکم نشده در حدیث است .

مامن مولود الاوقد یولد علی الفطره ثم ابواه یهودانه و نصرانه و یمجسانه

با بدان یارگشت همسر لوط

خاندان نبوتش گم شد

سك اصحاب كهف روزی چند

پی نیکان گرفت و مرده‌شد

این بگفت و طایفه‌ای از ندمای ملك باوی بشفاعت یار شدند تا ملك از سرخون او درگذشت و گفت بخشیدم اگر چه مصلحت ندیدم .

فی الجمله پیر را نیاز و نعمت بر آوردند و استاد ادیب را بتربیت او نصب کردند تا حسن خطاب ورد جواب و اداب خدمت ملوکش در آموختند و در نظر همگان پسند آمد باری وزیر از شمایل و خوی و عادات) او در حضرت ملك شمه‌ای (اندك) همی گفت که تربیت عاقلان در و اثر کرده است و جهل قدیم از جبلت (ذات و سرشت) او بدر برده ملك را زین سخن تبسم آمد و گفت :

عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

در بیولوژی وراثت است که اثر محیط بروی ماده زنده کلیت ندارد - و اگر هم مواردی دیده شود نامحسوس و کند و تدریجی است بنا بر این وقتی بر حسب اتفاق در فردی تحولی پدید آید احتمال انتقال و بروز تحول در فرزندان نسل دورتر بیشتر خواهد بود تا نسل بدون فاصله و اساساً باید بدانیم و فراهموش نکنیم تغییرات مؤثر از محیط عارضی است نه ذاتی و محیط نمیتواند بطور کلی از یک ریشه و یک جرثومه خلق جدیدی که نوع جدیدی باشد بوجود آورد .

بنابراین موجودات از لحاظ صوری تابع تحولات محیطی اند نه از لحاظ جوهری و ماهوی سعدی فرماید دو سالی دو برین بر آمد طایفه او باش محلت درو پیوستند و وعقد مرافقت بستند تا بوقت فرصت وزیر و هردو پسرانش را بکشت و نعمتی بیقیاس برداشت و در مغاره دزدان بجای پدر بر تخت نشست و عاصی شد ملك دست تحیر بندگان گزیدن گرفت و گفت .

شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی

تا کس به تربیت نشود ای حکیم کس

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

از باغ لاله روید و از شوره زار خس

و این نظر کلی دانشمندان در قرن سعدی بوده که تعلیم و تربیت ناصالح تیغ-
دادن در کف زندگی مست است یا بقول سنائی چو دزدی با چراغ آید گزیده تر-
برد کالا.

در باب دوم گاستان حکایت ۳۶ در داستان مناظره فقیه و پسرش و حکایت مش-
زن در باب سوم و در باب هفتم جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی روش
بحث و گفتگوی سعدی در دو قطب مخالف خوانده میشود که سرانجام نقطه عطف سخن
در تأثیر تربیت است.

حکایت اول از باب هفتم - یکی از وزراء را پسری کودن بود پیش یکی از
دانشمندان فرستاد که مرین را تربیتی کن مگر عاقل شود روزگاری تعلیم هم میکردش و
مؤثر نبود پدرش کس فرستاد و گفت این عاقل نمیشود و مراد یوانه کرد.

چون بود اصل گوهری قابل	تربیت را در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد	آهنی را که بد گهر باشد
سک بدریای هفت گانه مشوی	که چو ترشد پلید تر باشد
خر عیسی گرش بمکه برند	چون بیاید هنوز خر باشد

و در حکایت منظومه‌ای این معنی را با چهره دیگری بیان میکند.

پیر مردی لطیف در بغداد	دخترک را بکفش دوزی داد
مردک سنگدل چنان بمکید	لب دختر - که خون از او بچکید
بامدادان بدر چنان دیدش	پیش داماد رفت و پرسیدش
کای فرومایه! این چه دندان است!	چند خائی (گزیدن) - لبش - نه انبان است

بمزاحت (خوش طبعی) نکفتم این گفتار هزل بگذار وجد ازو بردار
 خوی بد در طبیعتی که نشست ندهد جز بوقت مرگ از دست
 و در حکایت ششم از باب سوم
 یکی بچه گرگ میپرورید چو پرورده شد خواجه را بردرید

در باب هشتم در شماره حکمت فرماید

گر نشیند فرشته‌ای با دیو وحشت آموزد و خیانت ورید (مکرو حیله)
 از بدان نیکو و بی نیام - وزی نکند گ - گرگ پیوستین دوزی
 و در قطعه با بدان یارگشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد
 یا آنکه پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

و نظایران در بوستان می‌رساند که (سعدی) بی نظر در تأثیر محیط در آثار وراثت نبوده است بطور کلی نظر پیشینان که ادباء و شاعران سخندان زبان گویای آنان بودند تعلیم و تربیت نتوانسته صفات و مشخصات و فضایل و عیوب اخلاقی یا نژادی را تغییر دهد و اگر در ظاهر تحولی بنظر آید صوری است و ذاتی نمیباشد .
 توان شناخت بیک لحظه در شمائل مرد

که تا کجاش رسیده است پسایگاه علوم

ز خبث باطنش ایمن مباح غره مشو

فردوسی فرماید که خبث نفس نگردد بسالها معلوم
 درختی که تلخ است ویراسرشت گرش برنشانی بیباغ بهشت
 وراز جوی خلدش بهنگام آب به بیخ انگبین ریزی وشهد ناب
 سرانجام گوهر بکار آورد همان میوه تلخ بار آورد

ز بد گوهران بد نباشد عجب
 ز ناپاك زاده مدارید امید
 ز بد اصل چشم بهی داشتن
 در تأثیر محیط

بعنبر فروشان اگر بگذری
 وگر خود روی پیش انگشت گر
 شود جامهات سر بر سر عنبری
 بغیر از سیاهی نیابی دگر
 اعتقاد دانشمندان (ژنتیک) علم وراثت این است .

تخم يك موش حیوانی جز موش تولید نمیکند و از تخم قورباغه جانوری جز قورباغه بدست نمیاید ولی با همه این احوال اعتقاد بدوام وراثت بحالت ثابت یا تأثیر تربیت میان دو قطب در نوسان است .

خردمندان معتقدند که احیای انسان وقتی تحقق می پذیرد که جسم و جان وی بتواند بر وفق خواص طبیعی خود رشد و پرورش یابد نه بر طبق نظرات مکتب های مختلف تعلیم و تربیت .

روش پرورش فرزندان در مکتب سعدی

چو خواهی که نامت بماند بجای
 که گر عقل و رایش نباشد بسی
 بسا روزگاران که سختی برد
 خردمند و پرهیز کارش بر آر
 بخردی درش ز جزو تعلیم کن
 نو آموز را (مدح) تحسین وزه
 بیاموز پرورده را دسترنج
 مکن تکیه بردستگاهی که هست
 پسر را خردمندی آموز و رای
 بمیری و از تو نماند کسی
 پسر - چون پدر نازکش پرورد
 گرش دوست داری بنارش بدار
 به نیک دیدنش وعده و بیم کن
 ز توبیخ و تهدید استاد به
 وگر دست داری چو قارون به گنج
 که باشد که نعمت نماند بدست

پایان رسد کیسه سیم و زر
 چه دانی که گردیدن روزگار
 چو برپیشه‌ای باشدش دسترس
 هر آن طفل کوجور آموزگار
 هر آنکس که فرزند راغم نخورد
 نگه دار از آموزگار بدش
 نگردد تهی کیسه پیشه ور
 بغربت بگرداندش درد یار
 کجا دست حاجت برد پیش کس
 نه بیند جفا بیند از روزگار
 که چشمش نباشد بدست کسان
 دگر کس غمش خورد و بدنام کرد
 که بدبخت و گمراه کند چو خودش

میکنده، میخانه، خرابات، دیرمغان

شاید این کلمات در دیوان حافظ بیش از دیوان شاعران دیگر آمده باشد و غالباً از آن مفهومی غیر از مفهوم لغوی آن اراده شده است. باده و هر مسکری در شرع اسلام حرام است، هم ساختن هم خرید و فروش و هم آشامیدن آن، پس ناچار باید فرض کرد غیر مسلمان‌ها بساختن و خرید و فروش آن میپرداختند. از فحوای اشعار حافظ برمیآید که زردشتیان بدان کار مباشرت میکردند و از اینرو مجازاً به مباشرین آن کلمه (منغ) را که در اصل عنوان روحانیان آن طایفه است اطلاق میکنند و باز این مجاز کشش بیشتری پیدا کرده میکنده و میخانه، دیرمغان و مباشرین پیرمغان میشود. (از کتاب نقشی از حافظ)